

ORIGINAL ARTICLE

Revisiting the Typology of Qur'anic Context (Siyaq) from a Qur'anological Perspective and Its Application in the Narrations of the Ahl al-Bayt (Peace Be Upon Them)

Seyede Fateme Nikookar¹, Abbas Esmaelizadeh^{2*}

1 .Master's student, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Correspondence:
Abbas Esmaelizadeh
Email: esmaelizadeh@um.ac.ir

Received: 21 Oct 2025
Accepted: 20 Feb 2026

How to cite

Nikookar, S.F. & Esmaelizadeh, A. (2026). Revisiting the Typology of Qur'anic Context (Siyaq) from a Qur'anological Perspective and Its Application in the Narrations of the Ahl al-Bayt (Peace Be Upon Them). *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 14(1), 105-118. (DOI:10.30473/quran.2026.76211.3490)

ABSTRACT

As one of the foundational principles in understanding and interpreting the Qur'an, siyaq (context) has gained significant scholarly attention in Qur'anic studies. From the earliest centuries, this concept was examined through discussions on coherence (nazm) and thematic harmony (tanasub). In contemporary scholarship, however, a broader range of issues—such as the function, role, and typology of context—has emerged, with the classification of siyaq types often approached inconsistently by scholars. This study, employing a descriptive-analytical method and drawing on library-based sources, seeks to address this gap by organizing existing views and proposing a Qur'an-centered typology of siyaq. Based on explicit Qur'anic usage of its own structural components, the research identifies five contextual levels: verse (ayah), group of verses (ayat), chapter (surah), collection of chapters (suwar), and the Qur'an as a whole. These levels, viewed as interwoven layers within the Qur'anic corpus, provide a framework for extracting meaning from divine concepts and achieving deeper understanding. Furthermore, through exegetical and narrational evidence, the study demonstrates the effectiveness of each contextual level in resolving interpretive ambiguities, correcting misconceptions, and uncovering profound and novel meanings.

KEYWORDS

Principle of Siyaq, Verse-Level Context (Siyaq al-Āyah), Group of Verses Context (Siyaq al-Āyāt), Surah-Level Context (Siyaq al-Surah), Holistic Qur'anic Context (Siyaq al-Qur'an).



پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی بیست و هفتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ (۱۱۸-۱۰۵)

DOI: 10.30473/quran.2026.76211.3490

«مقاله پژوهشی»

بازخوانی انواع سیاق در آیات قرآن با نظر به روایات اهل بیت علیهم السلام^۱

سیده فاطمه نیکوکار^۱، عباس اسماعیلی زاده^{۲*}

چکیده

سده‌های نخستین با مباحثی همچون «نظم» و «تناسب» مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده، در عصر حاضر طیف گسترده‌تری از مسائل همچون کارکرد، نقش و انواع را به خود معطوف کرده است که بحث انواع سیاق، با مواجهه‌ای غیر ضابطه‌مند از اندیشمندان این حوزه روبه‌رو شده است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، در پی پر کردن این خلأ، ضمن سامان دادن دیگر نظریات پیرامون انواع سیاق، به ارائه اقسامی با رویکرد قرآن‌شناختی پرداخته، در این راستا با استناد به کاربردهای صریح قرآن از بخش‌های این متن الهی، پنج سطح سیاقی: آیه، آیات، سوره، سور و قرآن را تبیین کرده است. این سطوح به منزله لایه‌هایی درهم‌تنیده از پیکره قرآن، بستر استخراج معنا از مفاهیم وحیانی و فهم دقیق آن‌ها را فراهم می‌سازد. همچنین مقاله حاضر با بهره‌گیری از شواهد تفسیری و روایی، کارآمدی هر سطح از اقسام سیاق قرآنی را در رفع ابهامات تفسیری، اصلاح برداشت‌های نادرست و رسیدن به معنایی جدید و ژرف نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

قاعده سیاق، سیاق آیه، سیاق آیات، سیاق سوره، سیاق سور، سیاق قرآن.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول:

عباس اسماعیلی‌زاده

رایانامه: esmaelizadeh@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

استناد به این مقاله:

نیکوکار، سیده فاطمه و اسماعیلی‌زاده، عباس. بازخوانی انواع سیاق در آیات قرآن با نظر به روایات اهل بیت علیهم‌السلام. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۴(۱)، ۱۰۵-۱۱۸.
(DOI:10.30473/quran.2026.76211.3490)

۱. مستخرج از پایان‌نامه



مقدمه

سیاق در قرآن از جمله مباحث مورد توجه قرآن‌پژوهان است که بالاخص در سال‌های اخیر توسط مفسران مورد توجه ویژه قرار گرفته است. پیش از این نیز در قرون نخست، گرایشاتی به این مبحث ذیل عناوین «نظم قرآن» و «تناسب آیات و سور» دیده می‌شود که در واقع مراحل اولیه شکل‌گیری سیاق محسوب می‌شوند. چنانکه اولین بار عبدالقاهر جرجانی در دو کتاب «دلایل الاعجاز» و «اسرار البلاغه» به مسئله نظم در قرآن، به معنای نحوه چینش آیات قرآن در کنار یکدیگر، توجه نشان داد؛ گرچه بارقه‌هایی از آن در آثار قرآن‌پژوهان قرن دوم به بعد نیز قابل مشاهده است.^۱ ادامه اندیشه نظم در قرآن، با تلاش‌هایی به عنوان «تناسب آیات و سور» صورت یافت که در قرون بعد «علم المناسبه» نام گرفت. این علم علاوه بر توجه به نظم کلی در قرآن، به ترتیب و روابط میان آیات و سوره‌های قرآن نیز توجه می‌کند؛ چنانکه مفسرانی چون طبرسی بخشی را تحت عنوان «النظم» در تفسیر خود به این امر اختصاص داده، ضمن تفسیر هر سوره به بیان مناسبت هر آیه با آیه یا آیات پیشین و حتی سوره قبل و بعد از آن پرداختند.

توجه به وجه ارتباط و تناسب آیات با یکدیگر و سیر روند کلام در قرآن کریم، بیش از هر زمان دیگری، در قرن اخیر به اوج شکوفایی خود رسید و با نام «سیاق» به عنوان عضوی جدانشدنی از ابزارهای فهم قرآن، در تفسیر قرآن به کار گرفته شد. علامه طباطبایی با رویکرد «قرآن‌محوری» که در تفسیر خود پیش گرفت، عنایت به سیاق را به اوج خود رساند که با وجود توجه دیگر مفسران به این مبحث، همچون محمد عبده، اگر تفسیر المیزان را در این باره اولین ندانیم، قطعاً بحث سیاق، پرکاربردترین وجه خود را در این تفسیر داشته است، چراکه به نظر می‌رسد توجه به برخی از انواع سیاق، علامه را به فهم‌هایی عمیق و شگرف از معارف قرآنی در تفسیر المیزان رهنمون شده که در کمتر تفسیری قابل مشاهده است. علاوه بر این رویکرد علامه طباطبایی، نظریاتی چون «سوره به منزله یک کل واحد»، «وحدت و انسجام سوره‌های قرآن»، «وحدت موضوعی سور» حاصل توجه به مبحث سیاق است. نگرش ساختاری به سوره‌های قرآن کریم را برخی با نام‌های «ساختار هندسی سوره‌های قرآن» و «تفسیر ساختاری»^۲ و دیگرانی با عنوان

«التفسیر البنایی»^۳ مطرح کرده‌اند. همچنین نحوه تفسیر مفسرانی چون سعید حوی و سید قطب در این راستا قابل ذکر است، گرچه هیچ‌یک نگاه ضابطه‌مندی به سیاق ندارند.

مکاتب زبان‌شناسی نیز با بررسی‌هایی که در حوزه متن و انسجام آن انجام داده‌اند، ارتباط نزدیکی با موضوع سیاق دارند: مکتب نقش‌گرایی هلیدی با طرح نظریه «انسجام مضمونی» از مجموعه مکتب هلیدی (اسماعیلی و مختاری، ۱۳۹۸)، «نظم متقارن» به عنوان نظریه‌ای با ریشه در مطالعات کتب مقدس (فاضلی و دیگران، ۱۴۰۱)، نظریه «پیوند» یا «مناسبت» که تکمیل و اصلاح‌شده نظریه «انسجام» العوی ست (العوی، ۱۳۸۹)، بحث‌های «بلاغت سامی» (احمدیار و دیگران، ۱۴۰۰)، «مدل آینه‌ای رایبسون» (دهقانی و دیگران، ۱۴۰۲)، «متن‌وارگی دی‌بوگراند» (محسنی و رزمی، ۱۳۹۸) و بسیاری دیگر از این قبیل، در این دسته قابل ذکر بوده، می‌توان آن‌ها را آخرین تحولات در سیر تطور مبحث سیاق دانست.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری پیرامون مبحث سیاق صورت گرفته که نگاهی گذرا به هر یک، پرداختن آن‌ها به نقش سیاق (ناصری کریموند و شمخی، ۱۳۹۹) و چگونگی بهره‌گیری از آن (مستفید و وجدانی، ۱۳۹۹) و همچنین بررسی کارکرد سیاق (اسماعیلی و مختاری، ۱۳۹۸) و تطبیق این کارکردها در تفاسیر متفاوت (احمدی و فاکر میبدی، ۱۴۰۰) را نشان می‌دهد. آنچه در این میان کمتر مورد توجه بوده، مسئله «انواع سیاق» است؛ درحالی‌که این مسئله، به خصوص در آثار خاص قرآنی که اساساً پیرامون سیاق قرآن نگاشته می‌شود، مسئله‌ای اساسی و دارای اهمیت بوده، توجه ویژه‌ای را می‌طلبیده است.

انواع سیاق قرآنی، بدون انجام یافتن کاری مستقل پیرامون آن، در برخی کتب معاصر به صورت گذرا و ضمن دیگر مباحث یافت می‌شود. در این آثار، هریک از قرآن‌پژوهان حد و دامنه متفاوتی را برای تقسیم‌بندی سیاق لحاظ کرده و انواعی را از آن نتیجه گرفته‌اند. برخی «سیاق حروف» را به عنوان یکی از انواع سیاق نام می‌برند و علت این نام را چیده شدن کلمات در کنار یکدیگر می‌دانند؛ چراکه هر کلمه متشکل از حروفی است که ماده سازنده این بنا محسوب می‌شود (فاکر میبدی، ۱۴۲۸، ۲۹۱). دیگری از

۱. گفته می‌شود اولین بار جاحظ (م ۲۵۵ ق) مبحث نظم در آیات قرآن را مطرح کرده و علت اعجاز قرآن کریم را نظم آن می‌داند. (کمالی دزفولی، شناخت قرآن، ۵۹۱)

۲. این ایده اولین بار توسط دکتر خامه‌گر در رساله دکتری ایشان مطرح شد و پس از آن با نام «تفسیر ساختاری» پا به سرفصل‌های درسی دانشگاه‌ها گذاشت.

۳. تفسیری پنج جلدی با رویکرد ادبی و ساختاری، نوشته محمود بستانی است.

رای خود قرآن کریم و همچنین مؤیدات روایی آن در کلام اهل بیت= به صورت مستدل تبیین شده است.

نوآوری پژوهش

پژوهش پیش رو در پی اطلاع از آرای قرآن‌پژوهان پیرامون انواع سیاق قرآنی نگاشته شده است؛ انواعی که غیر روشمند و مبتنی بر نگاه‌های متفاوت به این متن الهی‌اند. نوآوری تحقیق حاضر در این است که نگارندگان با هدف سامان دادن به این پراکندگی و همچنین کشف دیدگاه خود قرآن کریم درباره اقسام سیاق‌های خود، به عنوان کتابی که در عین تبیین بودن برای دیگر مسائل، قطعاً مبین مسائل خود نیز خواهد بود، به ارائه اقسامی برگرفته از آیات قرآن کریم پرداخته‌اند. اقسامی که آراء مذکور اندیشمندان نیز ذیل آن قابل ساماندهی است. همچنین این اقسام منکشف از رای قرآن کریم، در روایات اهل بیت= نیز کاویده شده، مؤیدات آن در کلام و نگاه این مفسران حقیقی قرآن به دست آمده است. در واقع نوآوری این پژوهش، تعریف اقسام پنج‌گانه سیاق بر اساس آیات قرآن و با کسب تایید از روایات اهل بیت= است.

تعریف سیاق

سیاق، به عنوان یکی از قواعد فهم و تفسیر متن قرآنی، دارای تعاریف مختلفی از جانب اندیشمندان این حوزه است که در این بخش به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

تعریف لغوی سیاق

واژه سیاق از ماده «سوق» به معنای راندن (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۱۶۸/۱۰؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ۵۲۳/۶؛ جوهری، ۱۴۰۴، ۱۴۹۹/۴) و به تعبیر مفسران «الحث علی المسیر» (الوسی، ۱۴۱۵، ۲۸۶/۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۴۹/۱۸) است؛ چنانکه عرب به کسی که کاروان را از پشت سر هدایت می‌کند «سائق» می‌گوید (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۱۶۶/۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۳۳۵/۳). این معنا، یعنی «پیش‌راندن و به حرکت در آوردن به سمت جلو» در آیات قرآنی نیز قابل مشاهده است. آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر: «وَ سَبِّحْ آلَ الذِّینَ کَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ ... وَ سَبِّحْ آلَ الذِّینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ» و آیات ۳۰ سوره قیامت: «إِلَى رَبِّکَ یَوْمَئِذِ الْمَسَاقُ» و ۹ سوره فاطر: «وَ اللَّهُ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّیَاحَ فَتَثِیرُ سَحَاباً فَمَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّیَّتٍ» و همچنین آیه ۲۱ سوره ق: «وَ جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَاقِقٌ وَ شَهِید» و آیه ۲۷ سوره سجده: «أَوْ لَمْ یَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ» از این جمله است.

«سیاق واژه‌ها» یاد کرده، آن را شامل خصوصیتی می‌داند که از کنار هم قرار گرفتن چند واژه و تشکیل جمله‌ای خاص ایجاد می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۲۱) «سیاق جمله‌ها» با معنای «قرینه بودن یک جمله برای جمله دیگر در همان آیه» از دیگر تعبیراتی است که به عنوان یکی از شکل‌های سیاق نام برده می‌شود (رجبی، ۱۳۸۳، ۱۰۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۲۲؛ بابایی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۲۷). در تعریفی دیگر، وجود آیه‌ای به عنوان قرینه برای آیه‌ای دیگر، به عنوان «سیاق آیات» ذکر می‌شود (فاکر میبیدی، ۱۴۲۸، ۲۹۱). «سیاق سوره» نیز به آن دسته از آیات مرتبط و گرد هم آمده در یک سوره اطلاق شده که فضای معنایی خاص ایجاد کرده، بر تفسیر همه یا برخی از آیات آن تأثیر دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۲۴). چنانکه روشن است، در این تقسیم‌بندی‌ها ملاک و ضابطه‌ای دیده نمی‌شود تا این جای خالی را پر، انواع سیاق را به عنوان بخش مؤثری از این قاعده تفسیری، روشمند کرده، گفتگو درباره نقش و کارکرد آن را منضبط کند.

نکته مهم در این میان آنکه دقت در انواع سیاق و استفاده از آن به عنوان یکی از قرائن مهم در فهم قرآن کریم، در صورتی می‌تواند اثرگذاری مطلوب داشته، درخور فهم کتاب الهی قرآن باشد که این دسته‌بندی از منظر قرآن‌شناختی و برخاسته از کتاب آسمانی قرآن و دارای نظم و ملاک معین و صحیح باشد. پژوهش پیش رو، در راستای رفع خلأ موجود در تقسیم‌بندی قرآن‌شناختی سیاق قرآنی، در پی ارائه تقسیم‌بندی‌ای منضبط و مستخرج از قرآن کریم مهیا شده است. این نوشتار بنا دارد پس از مروری اجمالی بر تعریف سیاق، با به دست دادن انواع سیاق قرآنی و بیان پشتوانه قرآنی آن، به ذکر نمونه‌هایی در اهمیت و تأثیر دقت در این سطوح پرداخته، انواع سیاق متداول و مشهور میان قرآن‌پژوهان را ذیل سطوح سیاقی‌ای قاعده‌مند سامان دهد.

به این ترتیب مسئله پژوهش حاضر این است که با توجه به تشتت و اختلاف آرای موجود درباره اقسام سیاق‌های قرآن، راه حل قرآنی هماهنگ با روایات برای این مسئله چیست.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، جهت کشف نظر قرآن کریم، از خلال آیات، انجام گرفته است. در این مسیر ابتدا دیدگاه قرآن‌پژوهان درباره انواع سیاق قرآنی از کتب و مقاله‌های مربوط استخراج و بررسی گردیده، سپس انواع سیاق قرآنی به صورت منضبط و روشمند، با استفاده از

شامل سیاق آیه، سیاق آیات، سیاق سوره، سیاق سور و سیاق قرآن است. اقسامی که سیاق، در هریک از آنها قابل بررسی بوده، سطوح سیاق در فهم قرآن کریم به‌شمار می‌روند.

سیاق آیه

آیه به عنوان کوچک‌ترین واحد قرآنی، که هر سوره از تعداد مشخصی از آن تشکیل می‌شود، اولین سطح سیاق قرآنی محسوب می‌شود. این واحد قرآنی در خود قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته است، آیاتی چون: «وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (انعام/۳۷)، «وَيَقُولُونَ لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (یونس/۲۰) و «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد/۷) از این دست است. در صورتی که گفته شود چه بسا کلمه «آیه» در این آیات لزوماً به معنای آیه قرآن نباشد، همان‌گونه که مفسرانی بر آن اند (طبرسی، ۴۲۷/۶؛ طوسی، ۱۲۶/۴؛ طباطبایی، ۳۰۴/۱۱؛ رشید، ۳۲۹/۱۱) می‌توان گفت که چون «آیات» جمع «آیه» است مطلب مذکور از آیاتی که در آنها «آیات» به معنای چند آیه قرآن به‌کار رفته است، که در بحث از سیاق بعدی خواهد آمد، نیز فهمیده می‌شود.

آیه‌ها در قرآن کریم از حیث طول و قصر متفاوت بوده، برخی به اندازه یک صفحه و متشکل از چندین جمله‌اند، مانند آیه ۲۸۲ سوره بقره و برخی همچون آیه ۶۴ سوره الرحمن: «مُذْهَمَاتَانِ» یک کلمه است. این تفاوت نشان می‌دهد که دقت در این سطح از سیاق، از کوچک‌ترین جزء، حتی حروف، آغاز شده، تا اجزای بزرگ‌تر همچون عبارات و جملات ادامه می‌یابد. دقت در هریک از این اجزاء و همچنین صدر و ذیل آیه، دستاوردهایی داشته، افق‌هایی از فهم را به روی مدقق آن خواهد گشود؛ چنانکه بسیاری از مفسران با روش تفسیر قرآن به قرآن از این مهم بهره‌ها برده‌اند. به همین جهت است که می‌توان گفت سیاق آیه در عین اینکه اصطلاحی جدید است، در تفاسیر به‌صورت عملی و مکرراً مورد استفاده مفسران قرار گرفته است. از جمله مفسرانی که به این حد از سیاق توجه داشته، آیت‌الله جوادی آملی است که در مقدمه تفسیر تسنیم، ذیل اقسام تفسیر قرآن به قرآن، به تأثیر صدر و ذیل آیه در فهم آن تأکید کرده، اشاره می‌کند که «گاهی صدر آیه قرینه ذیل آن یا ذیل شاهد صدر قرار می‌گیرد» و آیه مباهله را به عنوان نمونه ذکر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۱۱/۱).

سیاق آیه، در میان لایه‌های سیاقی، محوری‌ترین آنها محسوب می‌شود. نقش مهم این لایه از سیاق به این جهت است

اولین بار زمخشری واژه «سیاق» را در کنار «کلام» قرار داده که طبق آن، سوق دادن سخن در بهترین مسیری که مراد را به مخاطب منتقل کند، «سیاق» گفته می‌شود (زمخشری، ۱۳۹۹، ۳۱۴). به این ترتیب می‌توان سیاق را در لغت، توالی و تنابح در سخن حاصل از پشت هم چیده شدن الفاظ و واژگان دانست. (اسماعیلی‌زاده و آجیلیان، ۱۴۰۱، ۲۶)

تعریف اصطلاحی سیاق

ملاحظه نظرات مختلف از سوی قرآن‌پژوهان در تعریف اصطلاحی سیاق نشان می‌دهد که سیاق به عنوان «قرینه متصل لفظی» حد مشترک این تعاریف بوده (عک، ۱۴۲۸، ۸۱؛ رجبی، ۱۳۸۳، ۹۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۱۷؛ بابایی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۱۸؛ فاکر میبدی، ۱۳۸۸، ۱۵۱) اختلاف نظر، در میزان گسترش حدود این قرینه است؛ چنانکه برخی آن را به اندازه‌ای وسعت داده‌اند که سیاق، تمام قراین متصل و منفصل لفظی و غیر لفظی را نیز دربر می‌گیرد (کنعانی، ۱۳۸۴، ۲۹). تعریف میانه‌ای نیز در این میان به چشم می‌خورد که آن، سیاق را قرینه متصل لفظی و غیر لفظی یا همان قرائن متصل حالیه و مقالیه می‌داند (الحسینی، ۱۴۰۰، ۱۲۵؛ صدر، ۱۴۰۵، ۹۰؛ معرفت، ۱۳۸۸، ۱۸۸/۵؛ العوی، ۱۴۱۹، ۶۳). به هر صورت تعاریف مذکور نشان از حد مشترکی در تعریف‌های سیاق دارد که همان قرینه متصل لفظی است.

انواع سیاق از منظر قرآن‌شناختی

نبود قاعده مشخص در تقسیم‌بندی‌های مطرح‌شده توسط قرآن‌پژوهان و همچنین نظریات مختلف و غیر روشمند در انواع سیاق، لزوم طرح اقسامی ضابطه‌مند و دارای ملاک صحیح را مطرح می‌کند. برای ایجاد چنین تقسیم‌بندی که مربوط به متن قرآن است، شایسته‌تر آن به نظر می‌رسد که از خود این کتاب مقدس کمک گرفته، انواع آن را با رهنمودهای قرآن به دست آوریم؛ چرا که قرآن در بیان مباحث خود همواره دقیق‌ترین و متناسب‌ترین واژه‌ها و عبارات را به‌کار می‌گیرد. در نتیجه مراجعه به قرآن و یافتن واژگانی که برای ذکر واحدهای کلامی آن استفاده شده، همان منبعی است که به صحیح‌ترین تقسیم‌بندی در این رابطه رهنمون می‌شود.

دقت در آیات قرآن کریم، پنج لایه را به عنوان واحدهای کلامی این متن مقدس به دست می‌دهد که عبارتند از: آیه، آیات، سوره، سور و قرآن. در این لایه‌ها، بررسی تمام متن قرآن از حروف گرفته تا کل قرآن کریم به عنوان متنی هماهنگ و به هم پیوسته، بدون ذره‌ای تعارض، ممکن است. بر این اساس، اقسام سیاق قرآنی

که اولین گام در فهم آیات قرآن بوده، لایه‌های بعد نیز با توجه به آن معنا می‌شوند و چه بسیار مواقعی که تنها دقت در سیاق آیه، مسئله‌ای را حل کرده است. به علاوه، تمام قرآن متشکل از این سطح کلامی بوده، سطوح دیگر آیات، سوره، سور و کلیت قرآن، حاصل مجموع این سطح از سیاق قرآنی است؛ خواه آیه شامل کلمه و کلمات، خواه جمله یا جملات به هم پیوسته باشد. به عبارت دیگر با فهم آیه است که می‌توان به فهم لایه‌ها و سطوح بعدی سیاق قرآنی رسید و به بررسی آن‌ها پرداخت.

قابل توجه است که تقسیم سیاق توسط قرآن پژوهان به سیاق حروف، سیاق کلمات و سیاق جملات، قابل جمع ذیل این قسم، یعنی سیاق آیه است و تعبیر سیاق برای هریک از این اجزاء به طور جداگانه، کار دقیقی به نظر نمی‌رسد و ارجح آن است که تمامی این اجزاء تحت عنوان سیاق آیه که اصطلاحی قرآنی است، مجتمع شوند؛ هرچند دیگران با این لفظ کمتر از آن یاد کرده‌اند.

این نوع از سیاق، در صدر اسلام نیز مورد توجه بوده، در برخی روایات از این دست دقت‌ها دیده می‌شود؛ از این جمله، روایات معروف ذیل آیه ۳۴ سوره توبه است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». نقل شده است که نزاعی میان ابوذر و معاویه (ابن سعد، بی تا، ۲۲۶/۴؛ مجلسی، ۱۴۲۱، ۲۶۰/۱۴) و یا ابی ابن کعب و عثمان (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۳۲/۳) بر سر اشتغال آیه مذکور بر همه آدمیان یا صرفاً اهل کتاب، درگرفته و «واو» ابتدای جمله «وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ» محل این نزاع بوده است: «أرادوا ان يلقوا الواو التي في براءة» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۳۲/۳) که در این میان صحابه پیامبر: در صیانت از حرفی از حروف قرآن، تهدید به استفاده از شمشیرش می‌کند: «لأضعن سيفي على عاتقي» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۳۲/۳) روشن است که وجود «واو» بر سر این جمله، موجب استقلال آن از قبل شده، شامل هر کسی می‌شود که به زرانوژی بپردازد، خواه از اهل کتاب باشد یا مسلمان، اما اگر این «واو» وجود نداشته باشد، جمله مذکور صفت برای اخبار و رهبان واقع می‌شود و دیگر شامل مسلمانان نخواهد بود.^۱

از توجهات ائمه = به جزئیات موجود در هر آیه (سیاق آیه)، روایت امام باقر (ع) در برداشت ایشان از آیه «...فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ...» (مائده/۶) برای حکم میزان مسح سر در وضو است. زمانی که راوی از امام (ع) سؤال می‌کند: «الا تخبرني من أين علمت وقلت إن المسح ببعض الرأس وبعض الرجلين؟» و امام (ع) پاسخ می‌دهد: «فعرنا حين قال برؤوسكم ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء» (الطوسي، محمد بن الحسن، ۱۳۶۴، ۶۱/۱) بر این اساس، امام باقر (ع) از «باء» موجود بر سر کلمه «بِرُءُوسِكُمْ» معنای بعضیه را برداشت کرده، حکم کشیدن مسح سر را به اندازه مقداری از سر بیان کرده‌اند. به تحقیق این چنین برداشت‌هایی از آیات و اطلاع ما بر آن‌ها از مؤثرترین عوامل وصول به راه‌های فهم صحیح و دقیق قرآن کریم است. در حقیقت این روایات نشان از اهمیت و حساسیت حذف و تغییر حتی کوچک‌ترین جزء قرآن، در انتقال صحیح مفاهیم آن دارد و لزوم دقت در تمام حروف و اجزاء قرآن را خاطر نشان می‌کند.

این نوع دقت‌ها در تفاسیری مانند المیزان نیز وجود دارد؛ چنانکه علامه طباطبایی در آیه اول سوره اعلی، توحید کامل را از تسبیح قولی و فعلی مذکور در این آیه نتیجه گرفته است: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلی/۱) توضیح آن که در این آیه، ابتدا امر به تسبیح «نام» خداوند شده است: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ» نه تسبیح خود او: «سَبِّحْ رَبَّكَ» که تنزیه و تسبیح نام خداوند یعنی وقتی نامی از خدا برده می‌شود باید خالی از اموری باشد که مناسب با ذکر او نیست و این یعنی تسبیح خداوند در مرحله قول و زبان. در ادامه آیه، اضافه اسم به رب که از اسماء فعل خداست: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ» و همچنین اضافه اسم رب به کاف: «رَبِّكَ» به معنی آن است که تسبیح کن نام پروردگارت را که تو او را رب خود گرفته‌ای و این دو نکته، دال بر تسبیح فعلی خداست. در نتیجه، آیه مورد بحث به هر دو تسبیح قولی و فعلی اشاره می‌کند که مصداق توحید کامل است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۶۴/۲۰). به این ترتیب، سیاق آیه شامل تمامی جزئیات موجود درون هر آیه است که برای فهم آن مورد توجه قرار می‌گیرد و تا زمانی که دقت به درون آیه معطوف است، تفسیر آیه در لایه «سیاق آیه» صورت می‌گیرد.

سیاق آیات

۱. در نقل دیگری نیز این اختلاف بین ابوذر و کعب الاحبار در مجلس عثمان گفته می‌شود که منجر به ضربه زدن ابوذر با عصا به سر کعب می‌شود. (جویری، نورالثقلین، ۲۱۳/۲)

معنایی خاصی را ایجاد کرده، در معنای آیه موردنظر مؤثرند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۲۳). به عبارت دیگر، آن زمان که برای فهم آیه، از الفاظ درون آیه فراتر رفته، آیه را در کنار آیات پیرامون آن دیده و فهم کنیم، در لایه سیاق آیات حضور داشته، این سطح از کلام الهی را برای فهم قرآن مدنظر قرار داده‌ایم.

در روایات ائمه .: دقت به سیاق آیات نیز همچون سیاق آیه دیده می‌شود. نقل است که عباد بصری در مسیر حرکت امام سجاد(ع) به حج با استناد به آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَغَدَاً عَلَيْهِ حَقٌّ فِي الثَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۱۱۱) بر ایشان اشکال می‌گیرد که

چرا جهاد را ترک کرده، به حج می‌پردازند. امام(ع) او را به آیه بعدی توجه داده: «اتِمُّوا الْآيَةَ» «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۱۲) پاسخ می‌دهند در صورتی که جهادکنندگان دارای صفات آیه دوم باشند، جهاد همراه با آنان افضل از حج است: «إِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ هَذِهِ صِفَتُهُمْ فَلَجْهَادٌ مَعَهُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْحَجِّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲/۵)

از جمله آیاتی که در تفسیر آن از سیاق آیات می‌توان استفاده کرد، آیه تبلیغ است که در تفاسیر مشهور اهل سنت گفته می‌شود مراد از عبارت «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده/۶۷) آیات قرآن بوده، رسول خدا .: مأمور به ابلاغ آن شدند؛ چنانکه آورده‌اند: «بَلِّغْ أَى وَاصِر عَلَى تَبْلِيغِ مَا أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ مِنْ كَشْفِ أَسْرَارِهِمْ وَفُضَائِحِ أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَعْصِمُكَ مِنْ كَيْدِهِمْ وَ يَصُونُكَ مِنْ مَكْرِهِمْ» (فخررازی، ۱۴۲۰، ۳۹۹/۱۲) و همچنین نوشته‌اند: «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ جَمِيعاً مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ أَى شَيْءٍ أُنْزِلَ إِلَيْكَ غَيْرِ مَرَاقِبِ فِى تَبْلِيغِهِ أَحَدًا، وَ لَا خَائِفَ أَنْ يَنَالَكَ مَكْرُهُ» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۶۵۸/۱) اما دقت در آیه قبل و بعد که عبارت «ما انزل» در کنار کتب آسمانی اهل کتاب ذکر شده است و نشان می‌دهد چیزی غیر از وحی تورات و انجیل مدنظر است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا الثَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ» (مائده/۶۶) و «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا الثَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» (مائده/۶۸) در نتیجه عبارت «ما انزل الیک» در آیه محل بحث نیز غیر از وحی قرآنی بوده، نمی‌توان آن را آیات قرآن کریم دانست که مطابق روایات اهل بیت= مراد از آن، فرمان نصب امیرالمومنین(ع) بوده که گفتگو از آن خارج از عهده این نوشتار است.

دومین واحد قرآنی، که مورد اشاره خود قرآن نیز هست، آیات است: «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتَلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (بقره/۲۵۲) و «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» (شعراء/۲) به همین جهت، دومین سطح از سطوح سیاقی قرآن نیز «سیاق آیات» خواهد بود. این لایه از سیاق از کنار هم قرار گرفتن دو یا چند آیه حاصل می‌گردد که دارای ارتباط لفظی و موضوعی با یکدیگر هستند.

برداشت و استفاده از این سطح از سیاق در تفسیرهایی همچون تفسیر المیزان، المنار، مواهب الرحمن، فی ظلال القرآن و نمونه، در عمل قابل ملاحظه است؛ به این صورت که مفسر برای تفسیر هر آیه از قرآن، آیات همجوار آن را تا آنجا که با یکدیگر مرتبط هستند، در یک دسته قرار داده، در کنار هم و با لحاظ تاثیر آن‌ها بر یکدیگر تفسیر می‌کند.

اصطلاح سیاق آیات مورد اشاره دیگر پژوهشگران نیز بوده است؛ اگرچه با «سیاق جملات» در آیات چندجمله‌ای و «سیاق کلمات» در آیاتی که جمله کاملی را تشکیل نمی‌دهند، برابر دانسته شده (رجبی، ۱۳۸۳، ۱۰۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۲۳؛ بابایی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۲۸) در نتیجه تفاوت چندانی میان سیاق آیات و سیاق آیه قائل نشده‌اند. در تعریف سیاق آیات همچنین «قرینه قرار گرفتن آیه‌ای برای آیه دیگر» (فاکر میبیدی، ۱۴۲۸، ۲۹۱) ذکر شده است که به نظر می‌رسد این تعریف در مواردی با «سیاق قرآن»، که توضیح آن در انواع بعد خواهد آمد، هم‌پوشانی دارد؛ چرا که آیات سراسر قرآن را دربر گرفته، محدود به آیات قبل و بعد هر آیه نشده است. در این بررسی و دقت‌هاست که ضابطه‌مند نبودن تقسیم‌بندی‌هایی که تاکنون صورت گرفته آشکار شده، ضرورت دست‌یافتن به انواع سیاق با ملاک معین و محدوده مشخص، روشن می‌شود.

قابل ذکر است، قرار دادن آیات در دسته‌هایی با عنوان سیاق آیات، و بررسی و فهم آن آیات با توجه به تاثیر آن‌ها بر یکدیگر، نیازمند معیار و ملاک‌هایی مشخص و صحیح است. البته در کارهایی همچون «تفسیر ساختاری»، «التفسیر البنایی» و کارهایی که با عنوان «تدبر در قرآن» انجام می‌شود، این دسته‌بندی آیات اتفاق افتاده، در برخی سعی شده است تا ملاک‌ها و ضوابطی برای نحوه این دسته‌بندی در سوره‌ها ارائه شود، اما همچنان معیار و ملاک مشخصی یافت نمی‌شود که بتوان این دسته‌بندی‌ها را منقح کرده، محدوده سیاق آیات در تمام قرآن را به‌دست آورد؛ در نتیجه، این مسئله همچنان پژوهش‌های وسیع و همچنین دقت و ظرافت‌های ویژه‌ای را می‌طلبد.

در نهایت می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد که «سیاق آیات»، محدوده آیات قبل و بعد یک آیه است که در معیت یکدیگر، فضای

متصل لا دلیل فيه على فصل يؤدي إلى نزولها نجوما» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵/۷) همچنین در این تفسیر قریب به اتفاق مکی و مدنی سوره‌ها با استفاده از این لایه از سیاق به دست می‌آید؛ چنانکه آمده است: «و السورة- علی ما تشهد به آیاتها بمضامینها و الاتصال الظاهر بینها- مکیه نازلة دفعة واحدة» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳۶/۱۰). «و هي مکیه علی ما تشهد به آیاتها» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۹۵/۱۲).^۲

از دیگر توجهاتی که در سال‌های اخیر به سیاق سوره صورت گرفته، کتاب «ساختار هندسی سوره‌های قرآن» است که به دسته‌بندی و غرض‌یابی سوره‌های قرآن کریم به‌طور مجزا می‌پردازد. این نوع معماری سوره‌ها، با نام‌هایی چون «التفسیر البنایی»، «تفسیر ساختاری» و «تدبر» نیز مشهور است. در مقابل، برخی نیز سیاق سوره را دارای قرینیت ندانسته، علت آن را نزول مجموعه آیات سوره‌ها در چندین مرحله عنوان می‌کنند (اعرافی، ۱۳۹۹، ۹۴)؛ که البته این بیان، قابل‌خنده است؛ چراکه در سوره‌های متعددی از قرآن، شاهد قرینه قرار گرفتن این سطح از سیاق برای فهم آیه، آیات یا مطلبی هستیم که در آن سرگشتگی و ابهامی وجود دارد، در نتیجه نمی‌توان آن را بدون تأثیر دانست و از قرائن به شمار نیاورد.

توجه به سیاق سوره در روایات ائمه= نیز دیده می‌شود چنانکه در روایتی امام باقر(ع) به شیعیان به مخاصمه با مخالفان با سوره قدر، امر کرده‌اند: «یا معشر الشیعة خاصموا بسورة انا انزلناه فی لیلة القدر تفلجوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۴۹/۱) این در حالی است که دلالت اصلی سوره بر مطلب امامت، که مدنظر امام باقر(ع) بوده، آیه «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر/۴) ناظر بر نزول ملائکه و روح بر امام است، اما ایشان به مخاصمه با تمام این سوره، به عنوان مجموعه‌ای که دلالتی مستقل بر پیامی دارد، امر می‌کنند.

تعیین سرانجام سد ذوالقرنین با توجه به سیاق سوره کهف، از جمله تأثیرات دقت در سیاق سوره بر فهم قرآن کریم است. توضیح آنکه بر اساس مشهور، سد ذوالقرنین تا قیامت باقی بوده (از جمله: قمی، ۱۳۶۳، ۴۱/۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ۲۲/۱۶)، یاجوج و ماجوج پشت آن گرفتارند (از جمله: سمرقندی، ۱۴۱۶، ۳۶۳/۲؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲، ۵۴۴/۳) و زمانی که قیامت فرا برسد این سد شکسته شده (از جمله: ابن‌ جوزی، ۱۴۲۲، ۱۱۱/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۶۶/۱۳)، یاجوج و

ناگفته نماند که در مواردی محتمل است فهم آیه در سیاق خودش با فهم آیه در سیاق آیات متعارض باشد. این تعارض بین دو لایه سیاق، در بحث‌هایی چون «دلالت استقلالی آیات» و «فهم‌های فراسیاقی آیات» مورد کنکاش علمی قرار می‌گیرد (از جمله: باقریان، ۱۳۸۵؛ اخوان مقدم، ۱۳۹۰؛ شریفی نسب و فقهی‌زاده، ۱۴۰۰؛ راد و خطیبی، ۱۳۹۴؛ مهدوی راد و دیگران، ۱۳۹۹؛ بیدسرخ و دیگران، ۱۴۰۴).

سیاق سوره

سومین واحد قرآنی، بعد از آیه و آیات، سوره است. سوره دسته‌ای از آیات قرآن کریم در مصحف شریف قرآن است که دارای ابتدا و انتهای مشخص بوده (زرقانی، بی‌تا، ۳۴۳/۱) با بسمله آغاز و با بسمله بعدی پایان می‌یابد (معرفت، ۱۳۸۸، ۲۷۵/۱). واژه سوره در آیاتی از قرآن کریم ذکر شده^۱ و دست‌کم در آیه ابتدایی سوره نور: «سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَ فَرَضْنَاهَا وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» در معنای مصطلح آن به‌کار رفته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۹۶/۷؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ۱۱۴/۱۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷۸/۱۵).

بنابراین سیاق سوره، نوع سوم از انواع سیاق قرآنی بوده، به‌طور عمده متشکل از چند سیاق آیات و در برخی سور کوتاه قرآن، تک‌سیاقی است. در توضیح این سطح از سیاق گفته می‌شود که هر سوره شامل مجموعه آیاتی مرتبط با یکدیگر است که هدف مشخصی را دنبال می‌کنند و به همین جهت، یکایک سوره‌های قرآن، فضای معنایی خاصی دارد که بر تفسیر همه یا برخی از آیات سوره اثر گذاشته، از قرائن فهم و تفسیر آیات آن به‌شمار می‌آید (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۲۴). علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان نیز به بحث سیاق سوره چنین اشاره کرده که هر سوره طائفه‌ای از کلام است و هریک از سور با مجموعه آیاتی که در آن گنجانده شده، غرض و معنای مخصوص خود را به‌تمامه حاصل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶/۱).

علامه طباطبایی از مفسرانی است که دارای عنایت ویژه به سیاق سوره بوده، در ابتدای تمامی سور، پیش از آغاز به تفسیر، نگاهی کامل و مجموعی به سیر سوره داشته (از جمله: طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷/۸) یا با تصریح به عبارت «سیاق سوره» به نتایجی در رابطه با آن می‌رسد: «و سیاقها- علی ما یعطیه التدبر- سیاق واحد

۲. نگارنده پیش از این راهنمایی پایان‌نامه‌ای با عنوان: «آرای غیر مبین و اقوال مردد علامه طباطبایی در تعیین مکی و مدنی سوره‌ها و تبیین ملاک‌های ایشان» را برعهده داشته که در آن این تلاش علامه مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است.

۱. توبه/۶۴ و ۸۶ و ۱۲۴ و ۱۲۷ و محمد/۲۰.

میان این مقدمه و ذی المقدمه بیان شده را تمثیل و تفصیل‌های مطلب اساسی سوره، یعنی دنیا و زوال آن، می‌داند(حوی، ۱۴۲۴، ۳۲۳۵/۶). به این ترتیب سوره از ابتدا تا انتها به صورت سیری از مقدمه تا نتیجه و در میان آن مثل و تفصیل، مورد توجه قرار می‌گیرد. این گونه دسته‌بندی آیات سوره و سپس نگاه مجموعی به کل سوره، در حقیقت همان فهم قرآن در سیاق سوره است.

توضیح مطلب آنکه انفصال آیه ۹۹ از آیه ۹۸ که قول ذوالقرنین پس از ساخت سد و وعده او به خراب شدن آن است: «قَالَ هَذَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا» (کهف/۹۸) نشان می‌دهد مرجع ضمیر «هم» در آیه ۹۹: «وَوَرَكْنَا بَعْضُهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا» (کهف/۹۹) یا جوج و ماجوج نیستند تا باقی ماندن سد تا قیامت از آن برداشت شود، بلکه مرجع ضمیر، کافران مورد اشاره از ابتدای سوره و ادامه یافته در تمام روند سوره است. در نتیجه داستان ذوالقرنین در آیه ۹۸ به پایان رسیده و آیات قرآن از بیان سرانجام سد ذوالقرنین ساکت است و این مطلبی است که سعید حوی با وجود دقت به این انفصال و سیر سوره با عبارت «كَلِمَةً فِي السِّيَاقِ»(حوی، ۱۴۲۴، ۳۲۳۵/۶) به آن توجه نداشته است. علامه طباطبایی نیز اگرچه در ابتدا مرجع ضمیر در «فَجَمَعْنَاهُمْ» را ناس گفته‌اند اما در ادامه، آیه ۹۹ را تفصیل سخن ذوالقرنین در آیه ۹۸ دانسته، توجهی به تفاوت مرجع ضمیر در این فرض نمی‌دهند و موضع خود را در این باره روشن نمی‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۶۶/۱۳) سید قطب نیز که در تفسیر فی ظلال به این انفصال دقت کرده و حتی از آن به عنوان سیاق سوره نیز تعبیر می‌کند: «ثم نعود إلى سياق السورة. فنجده يعقب على ذكر ذي القرنين للوعده الحق بمشهد من مشاهد القيامة.» (قطب، سید، ۱۴۲۵، ۲۲۹۴/۴) در نهایت مانند دیگر مفسران مذکور، متفطن نتیجه دقت خود نیست.^۱

سیاق سوره

واژه سوره، جمع سوره بوده، مانند دیگر واحدهای قرآنی مذکور در قبل، در خود قرآن به آن اشاره شده است؛ چنانکه در آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود/۱۳) استفاده قرآن کریم از این

ماجوج به قتل و غارت آدمیان خواهند پرداخت (از جمله: زمخشری، ۱۴۰۷، ۲/۴۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۸/۳۶۴). در رابطه با محل قرارگیری این سد، ذیل تفسیر آیات آن، نظراتی متفاوت وجود دارد و در سده اخیر نظریه‌پردازی‌هایی متعدد در این باره صورت گرفته است. عموم مفسران متقدم، تنها به نقل اقوال دیگران درباره مکان این سد پرداخته‌اند؛ اقوالی که کلی و مجمل بوده، در آن‌ها به ذکر نام محل بسنده شده و هیچ استدلال و توضیحی درباره آن‌ها نیامده است؛ همچون وجود سد ذوالقرنین میان آذربایجان و ارمنستان (از جمله: طوسی، بی‌تا، ۷/۹۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۷۶۴)، سرزمین ترک (از جمله: ابن جوزی، ۱۴۲۲، ۳/۱۰۸؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳، ۵/۲۴۴) و شمال کره زمین (از جمله: فخررازی، ۱۴۲۰، ۲۱/۴۹۸؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵، ۲/۴۴۶). مفسران دیگری نیز سد ذوالقرنین را با بنایی در زمین مانند دیوار چین (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ۱۵)، باب الحديد (مراغی، بی‌تا، ۱۵/۱۶؛ زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱، ۱۶/۲۷)، سد مارب (قیسی عاملی، محمدحسن، بی‌تا، ۳/۳۳۹) و تنگه داریال (بلاغی، ۱۳۸۶/۴۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳/۳۸۱؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ۸/۲۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۲/۵۵۰) تطبیق داده‌اند. نظریاتی چون افقی بودن سد ذوالقرنین(آب‌سواران، ۱۳۹۵) و آسمانی بودن آن(النیللی، ۱۴۲۶، ۱۷۰-۱۷۶) نیز در سده اخیر توسط قرآن‌پژوهانی مطرح شده است؛ اما هیچ‌یک به تعارض نظر خود با جزئیات ذکر شده در آیات این داستان توجه نداشتند. برخی مفسران نیز با توجه به همین تعارضات، از میان نظرات گوناگون، تنها یکی را منطبق‌تر از دیگری دانسته(طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳/۳۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۲/۵۴۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ۶/۴۷۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۵/۲۲۷) و بعضی هیچ‌یک را مورد قبول نمی‌دانند و معتقدند آنچه از قصص که در قرآن آمده، لزوماً در تاریخ به ثبت نرسیده است و برای کسب اطلاعات، بیش از آنچه قرآن ارائه داده است، وجهی نمی‌بینند(خلف‌الله، ۱۹۹۹، ۲۷۵-۲۵۵).

در میان نظرات گوناگون یادشده، سعید حوی، در تفسیر الاساس به نکته‌ای دقت می‌دهد که مورد توجه مفسران دیگر نیست و آن، سیر مطالب سوره کهف است. طبق بیان وی، سوره کهف با مقدمه‌ای آغاز شده، سپس به داستان‌های اصحاب کهف، صاحبان دو باغ، حیات دنیا، موسی و خضر و سفرهای ذوالقرنین می‌پردازد و پس از ذکر داستان آخر، یعنی داستان ذوالقرنین، از آیه ۹۹ تا پایان سوره، مقدمه ذکر شده در ابتدای سوره را ادامه می‌دهد. وی داستان‌هایی که در

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به مقاله‌ای دیگر از نگارندگان با عنوان: «نگاهی دوباره به مسئله سد ذوالقرنین از منظر قرآن کریم»

سور قرآن کریم به صورت سه تایی با یکدیگر مرتبطاند و همین ارتباط، لایه «سیاق سور» را تشکیل می‌دهد.

از نمونه‌های ارتباط سوره‌ها به صورت سه گانه، می‌توان به سوره یوسف اشاره کرد که با سوره قبل خود، هود و سوره بعد، رعد دارای ارتباط است؛ به این صورت که خداوند سوره هود را با این خطاب به پیامبر .: به پایان می‌رساند که از قصه‌های انبیای پیشین، آن‌هایی را برای تو حکایت می‌کنیم که موجب تثبیت قلبت شود: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مُوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود/۱۲۰) و سوره یوسف را با این بیان که از جمله این قصه‌ها، قصه یوسف (ع) و برادران اوست آغاز می‌کند: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَ إِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ» (یوسف/۳) همچنین پس از ذکر بشارت اسحاق به همرس ابراهیم (ع) و تداوم نسل ابراهیم (ع) از طریق یعقوب (ع) در سوره هود: «وَ أَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَبَشِّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود/۷۱) در سوره یوسف، جریان یعقوب (ع) و فرزندانش را آورده است که تفصیل بعد از اجمال محسوب می‌شود (علم‌الهدی، ۱۳۹۷، ۱۳/۱). در ذکر تناسب سوره یوسف با سوره رعد نیز گفته شده است که سوره رعد تفصیل آیات پایانی سوره یوسف است که فرمود: «وَ كَأَيُّنَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (یوسف/۱۰۵) به این صورت که آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (رعد/۲) بیان آیات آسمانی و آیه «وَ هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْهَارًا وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغِشِّي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ» (رعد/۳) بیان آیات زمینی است (علم‌الهدی، ۱۳۹۷، ۱۴/۱).

سیاق قرآن

آخرین واحد قرآنی و جامع‌ترین آن‌ها، سیاق قرآن است. این واژه در آیاتی همچون «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف/۳) و «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُبِينٍ» (نمل/۱) برای اشاره به کلیت قرآن کریم آمده و پشتوانه قرآنی این سطح از سیاق محسوب می‌شود. سیاق قرآن به معنای استفاده از آیه یا آیاتی، از هر سوره قرآن کریم به‌طور شاور، جهت فهم آیه موردنظر است. این سطح از سیاق، به عنوان وسیع‌ترین این اقسام، به قرآن به‌مثابه یک واحد به هم پیوسته نگاه می‌کند که تمامی آیات آن با یکدیگر دارای

واژه به عنوان بخشی از کلام الهی قرآن قابل مشاهده است. این واحد قرآنی، سطح بعدی از سطوح سیاقی قرآن محسوب می‌شود. توجه به سیاق سور در میان قرآن پژوهان به گونه‌های مختلفی مطرح شده است. ارتباط یک سوره با دو سوره قبل و بعد آن که صاحب مجمع‌البیان در سراسر تفسیر خود به آن پرداخته از آن جمله است. وی ابتدای شروع تفسیر هر سوره به ارتباط آن با سوره قبل اشاره می‌کند: «لما ختم الله سورة النساء بذكر أحكام الشريعة افتتح سورة المائدة أيضا ببيان الأحكام و أجمل ذلك لقوله أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ثم أتبعه بذكر التفصيل» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۳۱/۳) و یا می‌نویسد: «ختم الله سبحانه سورة بني إسرائيل بالتحديد و التوحيد و ذكر النبي ص و القرآن و افتتح سورة الكهف أيضا بالتحديد و التوحيد و ذكر القرآن و النبي ص ليتصل أول هذه بآخر تلك اتصال الجنس بالجنس» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۹۱/۶). زرکشی در البرهان (زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰، ۲۷۲/۱) و سیوطی در الاتقان (سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۲۱، ۲۱۶/۲) نیز جهت تبیین وجه تناسب آیات آغازین و پایانی سوره‌های مجاور تلاش کرده‌اند که به «علم‌المناسبة» شهرت یافته است.

از دیگر پژوهشگرانی که به اتصال و ارتباط میان سوره‌ها پرداخته‌اند، امین احسن اصلاحی است که با تنقیح نظریه استاد خود، حمیدالدین فرهی، که غالبا از ارتباط درون سوره‌ها سخن گفته، به نظریه جفت‌سوره‌ها و گروه‌سوره‌ها دست یافته است. اصلاحی نظریه خود را این‌گونه تبیین می‌کند که گاهی در سوره‌ای گزاره‌ای بدون استدلال وجود دارد یا قانونی آمده است که مثال‌های کافی برای آن ذکر نشده است یا اجمالی در مطلب وجود دارد که با قرین کردن آن سوره با جفت یا گروه آن، کل منسجمی به دست می‌آید (قرایی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴، ۴۵). جفت‌سوره در نگاه اصلاحی چنین است که قرآن کریم دارای سوره‌هایی با هویت مستقل و در مقام دیگر، شامل زوج سوره‌هایی است که هر جفت متمایز و متشابه از دیگر زوج هاست و در این مقام، هر سوره جز با قرار گرفتن در کنار زوج خود کامل نمی‌شود (آقای، ۱۳۸۶، ۲۴۱). وی در تأیید این ایده، به قرائت سوره‌های دوتایی همچون صف و جمعه، قیامت و انسان توسط نبی اکرم .: در نماز اشاره کرده، این نظریه را عنصری اساسی برای فهم قرآن تلقی می‌کند (آقای، ۱۳۸۶، ۲۴۱).

چنین تلاش‌هایی را می‌توان ذیل قسم سیاق سور گنجاندا این تفاوت که سیاق سور در تعریف این پژوهش، تنها شامل هر سوره با دو سوره قبلی و بعدی آن است. مستند قرآن‌شناسی این تعریف، توقیفی بودن ترتیب سور قرآن است. به این ترتیب تمامی

این سطح از سیاق در روایات اهل بیت= نیز قابل مشاهده است. چنانکه از حضرت امیرالمومنین (ع) در رابطه با مدت حمل جنین، روایتی مشهور است که ایشان دو آیه: «وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف/۱۵) و «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره/۲۳۳) را کنار هم قرار داده، به طبیعی بودن تولد نوزاد در شش ماهگی به عنوان حداقل مدت زمان بارداری حکم می‌کنند (مجلسی، ۱۴۲۱، ۶۶/۱۰۱). همچنین آیه ۱۳ از سوره لقمان که شرک را ظلم عظیم می‌نامد: «وَإِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» به عنوان قرینه برای فهم آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲) مورد توجه قرار می‌گیرد؛ چراکه روایت است وقتی این آیه نازل شد، برای ابن مسعود سؤال شد که کدام یک از ما به ظلمی مبتلا نیستیم تا مصداق این آیه قرار نگیریم درحالی که همه حداقل به نفس خود ظلم کرده‌اند؟ سپس پیامبر اکرم .: وی را به آیه ۱۳ سوره لقمان ارجاع دادند که در این آیه مراد از ظلم، نه هر ظلمی، بلکه شرک است (حویزی، ۱۴۱۵، ۷۳۹/۱).

از اثرات توجه به سیاق قرآن، فهم مشهور از آیه ۱۸ سوره مائده است که یهود و نصاری خود را به عنوان پسران و دوستان خدا معرفی می‌کنند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ». درحالی که دقت در آیه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ» (بقره/۱۱۳) نشان می‌دهد که یهود و نصاری چنین نبوده که دو گروه خود را پسران و دوستان خدا دانسته، مسلمانان را از این دایره خارج کنند، بلکه هریک، گروه دیگر را به علاوه مسلمانان، خارج از دایره پسران و دوستان خدا می‌داند؛ چراکه بر اساس آیه ۱۱۳ بقره، یهود و نصاری هریک به‌طور مستقل، تنها خود را دارای این فضیلت می‌دانستند.

نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از قاعده سیاق در تفسیر قرآن کریم، نیازمند رفع برخی نابسامانی‌های نظری در تقسیم‌بندی آن است. پژوهش حاضر با تکیه بر متن قرآن کریم و تعبیری که این کتاب آسمانی در توصیف ساختار کلام خود از آن استفاده کرده است، اقسام سیاق را به گونه منظم و مستند استخراج نموده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، قرآن کریم پنج واحد کلامی «آیه»، «آیات»، «سوره»، «سور» و «قرآن» را به عنوان لایه‌های ساختاری خود معرفی می‌کند که بر همین مبنا، اقسام پنج‌گانه سیاق قرآنی نیز عبارتند از: سیاق آیه، سیاق آیات، سیاق سوره، سیاق سور و سیاق قرآن. این

ارتباط بوده، کل منسجم و پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند و این، همان قسم پنجم، یعنی سیاق قرآن است.

استفاده از این سطح از سیاق، در تفاسیر قرآن به قرآن، که ذکر آن‌ها در قسم «سیاق آیات» گذشت، معمول است؛ چراکه مفسر در این روش، هر آیه را با آیات مرتبط در سراسر قرآن کریم مورد توجه قرار داده، تفسیر می‌کند. علامه جوادی آملی از این مهم، یعنی هماهنگی کامل قرآن و در نتیجه فهم هر جزء آن با کمک از دیگر اجزاء، به «هویت جمعی قرآن» تعبیر می‌کند که به اعتقاد ایشان بدون آن، شناخت کامل از هیچ جزئی میسر نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۴۵۸/۱). ایشان همچنین در بیان اقسام تفسیر قرآن به قرآن، به این سطح از سیاق اشاره کرده، آن را تفسیر آیه به آیه می‌نامند و در توضیح آن به انواع ارتباطاتی می‌پردازند که ممکن است آیات مختلف در هرکجای قرآن با یکدیگر برقرار کنند که اشتراک در واژه، پیوند معنوی، پیوند عمیق مفهومی، پیوند ترتیبی و تاریخی و... از این جمله است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۱۷/۱-۱۲۲).

طرح نظریه «وحدت کل قرآن» توسط فراهی و «وحدت قرآنی» سعید حوی نیز به نوعی، توجه به سیاق قرآن محسوب می‌شود. طبق نظریه فراهی، از تفاوت ترتیب کنونی قرآن با ترتیب نزول آن، حکمتی ویژه برداشت می‌شود که با بررسی نظم قرآن، اسرار نهفته در آن مشخص می‌شود؛ ضمن آنکه قرآن با تدارک نظایر مضمونی فراوان، مفسر خویش است و آنچه در جایی مبهم باشد، در آیه‌ای دیگر تبیین می‌گردد و آنچه در سوره‌ای به اجمال آمده، در سوره دیگر به تفصیل ذکر می‌شود (آقای، ۱۳۸۶، ۲۲۶). سعید حوی نیز در نظریه وحدت قرآنی، سوره بقره را فهرست قرآن و دیگر سور را تفاسیل آن می‌داند. هرچند برخی این نظریه را آمیخته با نوعی تکلف و بلندپروازی عنوان می‌کنند (ذوقی، ۱۳۹۲، ۱۶۰) اما این دیدگاه نیز به قرآن به عنوان کلی منسجم و هماهنگ نگاه می‌کند که در زمره توجهات به سیاق قرآن قابل ملاحظه است.

همچنین از بارزترین وجوه استفاده از سیاق قرآن، تفسیر موضوعی است که مفسران بسیاری در قرون جدید به آن اقبال داشته‌اند. تفاسیر موضوعی بزرگانی چون علامه جوادی آملی، آیت الله سبحانی، آیت الله مکارم و تکنگاری‌ها در این باره، همگی نشان از تاثیر سیاق قرآن بر فهم‌های جدید و همچنین پیوستگی کامل این متن الهی دارد. البته باید دقت داشت که مراد از «سیاق قرآن» تنها پیگیری یک موضوع در کل قرآن و جمع کردن آیات آن نیست؛ بلکه تفسیر یک آیه با توجه به دیگر آیات ناظر به آن در قرآن کریم نیز تفسیر آیه در سیاق قرآن به‌شمار می‌آید.

فراهم‌ساختن زمینه‌ای برای درک دقیق‌تر از نظام معنایی قرآن، نقش مؤثری در دستیابی به فهم‌های نو، رفع ابهامات تفسیری و اصلاح برداشت‌های ناصواب از آیات قرآن ایفا می‌کند که از دستاوردهای این تقسیم‌بندی قرآنی است.

References

Books

The Holy Qur'an

Absavaran, Hassan (2016/1395 SH) A New Perspective on the Nature of Gog and Magog and the Barrier of Dhul-Qarnayn. *Qur'anic Research Journal*, pp. 122–141

Abu al-Su'ud, Muhammad ibn Muhammad (1983) *Tafsir Abu al-Su'ud (Irshad al-'Aql al-Salim ila Mazaya al-Qur'an al-Karim)*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi

Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf (1999/1420 AH) *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Fikr

Aghaei, Seyyed Ali (2007/1386 SH) Qur'anic Coherence: A Farahi-Reformist Approach to Interpretation. *Qur'anic Research Quarterly*, 4, pp. 216–259

Ahmadi, Leila & Faker Meybodi, Mohammad (2021/1400 SH) A Comparative Analysis of Contextual Functions in *Tafsir al-Mizan* and *Tafsir-e Nemuneh*. *Journal of Interpretive Studies*, 45, pp. 197–218

Ahmadyar et al. (2021/1400 SH) Sami Eloquence and the Rules of Symmetrical Order: A Critical Review in Surah al-Saff. *Literary-Qur'anic Research*, 4, pp. 26–62

'Ak, Khalid Abdurrahman (2007/1428 AH) *Usul al-Tafsir wa Qawa'iduhu*. Beirut: Dar al-Nafa'is

Akhavan Moghadam, Zohreh & Eshaqi, Nayyereh (2020/1399 SH) The Nature of al-A'raf and Its People: A Contextual Analysis of Interpretations from Both Sunni and Shi'a Perspectives. *Journal of New Research in Qur'anic and Sunnah Teachings*, 5, pp. 104–116

Akhavan Moghadam, Zohreh (2015/1394 SH) Semantic Relevance of Qur'anic Verses Within and Beyond Context. *Qur'an and Hadith Studies*, 17, pp. 137–164

Akrami, Ayoub & Eskandarlou, Mohammad Javad (2011/1390 SH) Thematic Coherence of Qur'anic Verses and Surahs. *Journal of Interpretive Studies*, 5, pp. 65–93

رویکرد نه تنها برگرفته از قرآن کریم بوده، بلکه در سیره تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام نیز ریشه دارد؛ چرا که در روایات متعدد، دقت در حروف، واژگان، آیات، سوره‌ها و حتی نسبت میان سور قرآن، به‌عنوان یکی از قرائن مهم فهم قرآن مورد تأکید این مفسران حقیقی قرآن واقع شده است. توجه به هریک از این سطوح، ضمن

Al-Alusi, Mahmoud ibn Abdullah (1995/1415 AH) *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azim wa al-Sab' al-Mathani*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya

Al-Baghawi, Husayn ibn Mas'ud (1999/1420 AH) *Tafsir al-Baghawi (Ma'alim al-Tanzil)*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi

Al-Maraghi, Ahmad Mustafa (n.d.) *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar al-Fikr

Al-Mawardi, Ali ibn Muhammad (n.d.) *Al-Nukat wa al-'Uyun (Tafsir al-Mawardi)*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya

Al-Nili, 'Alim Sabit (2006/1426 AH) *The Epic of Gilgamesh and the Qur'anic Text*. Beirut: Dar al-Mahajja al-Bayda'

Al-Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1985/1364 SH) *Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Nasir Khusraw

Al-Suyuti, Abdurrahman (1984/1404 AH) *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma'thur*. Qom: Mar'ashi Najafi Public Library

Al-Suyuti, Abdurrahman ibn Abi Bakr (2000/1421 AH) *Al-Itqan fi 'Ulum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi

Al-Tabari, Muhammad ibn Jarir (1991/1412 AH) *Jami' al-Bayan 'an Ta'wil Ay al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah

Al-Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1993/1372 SH) *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasir Khusraw

Al-Thalabi, Ahmad ibn Muhammad (2001/1422 AH) *Al-Kashf wa al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi

Al-Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (1985/1364 SH) *Tahdhib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya

Al-Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (n.d.) *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi

Al-Uwi, Salwa Muhammad (1998/1419 AH) *Al-Wujuh wa al-Naza'ir fi al-Qur'an al-Karim*. Cairo: Dar al-Shuruq

Al-Uwi, Salwa Muhammad (2010/1389 SH) *Linguistic Study of Textual Relations in the Qur'an*, trans. Abolfazl Hari. *Qur'anic Research Scientific Journal*, 64, pp. 220–242

- Al-Zamakhshari, Mahmoud ibn Umar (1979/1399 AH) *Asas al-Balagha*. Beirut: Dar Sadir
- Al-Zamakhshari, Mahmoud ibn Umar (1987/1407 AH) *Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi
- Al-Zarkashi, Muhammad ibn Bahadur (1990/1410 AH) *Al-Burhan fi 'Ulum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah
- Al-Zuhaili, Wahbah (1990/1411 AH) *Al-Tafsir al-Munir fi al-'Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj*. Damascus: Dar al-Fikr
- A'raafi, Alireza (2020/1399 SH) *The Unconscious Mind in the Qur'an*. Qom: Eshraq & Erfan Cultural Institute
- Articles**
- Babaei, Ali Akbar et al. (2009/1388 SH) *Methodology of Qur'anic Interpretation*. Qom: Research Institute of Hawzah and University
- Bagherian, Mohammad (2006/1385 SH) *Semantic Independence of Qur'anic Passages*. *Ma'rifat*, 107, pp. 84–91
- Balaghi, Abdulhujjah (2007/1386 SH) *Hujjat al-Tafasir wa Balagh al-Iksir*. Qom: Hikmat Press
- Bastani, Mahmoud (2001/1380 SH) *Constructive Interpretation*. Mashhad: Islamic Research Foundation
- bn Sa'd, Muhammad ibn Sa'id (n.d.) *Al-Tabaqat al-Kubra*. Beirut: Dar Sadir
- Dehghani et al. (2023/1402 SH) *Explaining the Coherence of Surah al-Hadid Based on Neil Robinson's Ritual Model*. *Qur'anic Research Scientific Journal*, 1, pp. 69–92
- Esmaili Zadeh, Abbas & Ajilian, Mohammad Mahdi (2022/1401 SH) *Independent Qur'anic Interpretation: Foundations and Presuppositions*. Mashhad: Ferdowsi University Press
- Esmaili, Davood & Mokhtari, Akram (2019/1398 SH) *The Role of Context in Understanding Lexically Ambiguous Verses in the Dialogue Between God and Iblis*. *Qur'an and Hadith Research Journal*, 2, pp. 223–244
- Faker Meybodi, Mohammad (2007/1428 AH) *Interpretive Principles in Shi'a and Sunni Traditions*. Tehran: World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought
- Faker Meybodi, Mohammad (2009/1388 SH) *Context and Qur'anic Interpretation*. *Qabasat Quarterly*, 50, pp. 131–154
- Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar (1999/1420 AH) *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi
- Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1995/1415 AH) *Tafsir al-Safi*. Tehran: Maktabat al-Sadr
- Fazeli, Hamidreza et al. (2022/1401 SH) *Revisiting Qur'anic Structural Coherence in Light of Raymond Farrin's Theory of Symmetrical Order*. *Literary-Qur'anic Research*, 4, pp. 1–22
- Firuzabadi, Muhammad ibn Ya'qub (1995/1415 AH) *Al-Qamus al-Muhit*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya
- Hosseini, Mohammad Reza (2021/1400 SH) *How to Understand the Qur'an*. Beirut: Mu'assasat al-Wafa'
- Huway, Sa'id (2003/1424 AH) *Al-Asas fi al-Tafsir*. Cairo: Dar al-Salam
- Huwayzi, Abdul Ali ibn Jum'ah (1995/1415 AH) *Tafsir Nur al-Thaqalayn*. Qom: Esmailiyan
- Ibn Abi Hatim, Abdurrahman ibn Muhammad (1998/1419 AH) *Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz
- Ibn al-Jawzi, Abdurrahman ibn Ali (2001/1422 AH) *Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi
- Ibn 'Ashur, Muhammad Tahir (1999/1420 AH) *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir (Tafsir Ibn 'Ashur)*. Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-Arabi
- Ibn 'Atiyyah, Abdulhaqq ibn Ghalib (2001/1422 AH) *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-'Aziz*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1985/1405 AH) *Lisan al-Arab*. Qom: Adab al-Hawzah Publications
- Ibn Sida, Ali ibn Isma'il (2000/1421 AH) *Al-Muhkam wa al-Muhit al-A'zam*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya
- 'Ilm al-Huda, Seyyed Ahmad (2018/1397 SH) *Guiding Aspects of the Story of Prophet Yusuf in the Qur'an*. Mashhad: Beh Nashr
- Javadi Amoli, Abdullah (1999/1378 SH) *Tasnīm*. Qom: Esra Publications
- Javadi Amoli, Abdullah (2007/1386 SH) *The Source of Thought*. Qom: Esra Publications
- Jawhari, Isma'il ibn Hammad (1984/1404 AH) *Al-Sihah*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin
- Kamali Dezfuli, Ali (1991/1370 SH) *Understanding the Qur'an*. Tehran: Osveh
- Kana'ani, Seyyed Hossein (2005/1384 SH) *The Evolution of Contextual Application in Qur'anic Interpretation*. *Makshouat*, 87, pp. 28–42
- Kashani, Fathullah ibn Shukrullah (n.d.) *Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin*. Tehran: Islamiyya Bookstore
- Khalaf Allah, Muhammad Ahmad (1999) *The Narrative Art in the Holy Qur'an*. London: Sina Publishing

- Khamegar, Mohammad (2016/1395 SH) *Geometric Structure of Qur'anic Surahs*. Tehran: Islamic Propagation Organization
- Khatib Sharbini, Muhammad ibn Ahmad (2004/1425 AH) *Tafsir al-Khatib al-Sharbini (Al-Siraj al-Munir)*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1987/1407 AH) *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya
- Mahdavi Rad, Mohammad Ali; Shahidi, Rouhollah & Mohammadzadeh, Atefeh (2020/1399 SH) The Authority of Independent Qur'anic Passages: Approaches and Contexts (Case Study: Surah al-Baqarah, Verse 189). *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 16, pp. 77–98
- Majlisi, Muhammad Baqir (2000/1421 AH) *Bihar al-Anwar: Encyclopedia of the Narrations of the Pure Imams*. Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at
- Makarem Shirazi, Naser (1992/1371 SH) *Tafsir-e Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya
- Ma'rifat, Muhammad Hadi (2009/1388 SH) *Al-Tamhid fi 'Ulum al-Qur'an*. Qom: Al-Tamhid Cultural and Publishing Institute
- Modarresi, Muhammad Taqi (1998/1419 AH) *Min Huda al-Qur'an*. Tehran: Dar Muhibbi al-Husayn
- Mohseni, Hossein & Razmi, Afsoon (2019/1398 SH) Application of de Beaugrande's Seven Textuality Factors in Semantic Development of the Qur'an. *Literary-Qur'anic Research*, 4, pp. 107–135
- Mostafid, Hamidreza & Vojdani, Nasrin (2020/1399 SH) Analysis of Contextual Role in Tafsir "Adwa' al-Bayan fi Iyдах al-Qur'an bi al-Qur'an". *Qur'an and Hadith Research Journal*, 3, pp. 171–196
- Mughniyah, Muhammad Jawad (2003/1424 AH) *Al-Tafsir al-Kashif*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami
- Naseri Karimvand, Amanollah & Shamkhi, Mina (2020/1399 SH) How Allameh Tabataba'i Uses Context to Uncover Lexical Meanings in Tafsir al-Mizan. *Ma'rifat Journal*, 11, pp. 67–73
- Naseri Karimvand, Amanollah & Shamkhi, Mina (2020/1399 SH) The Role of Contextual Clues in Critiquing Interpretive Narrations in al-Durr al-Manthur from the Perspective of Allameh Tabataba'i. *Hadith and Thought Journal*, 30, pp. 5–23
- Qabisi 'Amili, Muhammad Hasan (n.d.) *Tafsir al-Bayan al-Safi li Kalam Allah al-Wafi*. Beirut: Mu'assasat al-Balagh
- Qara'ati, Mohsen (2009/1388 SH) *Tafsir-e Nur*. Tehran: Cultural Center for Lessons from the Qur'an
- Qaraei Soltanabadi, Ahmad (2015/1394 SH) *Understanding the Qur'an Through Its Networked or Hyperlinear Structure*. *Qur'anic Linguistic Studies*, 1, pp. 41–60
- Qummi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza (1988/1367 SH) *Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
- Qummi, Ali ibn Ibrahim (1984/1363 SH) *Tafsir al-Qummi*. Qom: Dar al-Kitab
- Qureshi Nabavi, Ali Akbar (1996/1375 SH) *Tafsir-e Ahsan al-Hadith*. Tehran: Dar Muhibbi al-Husayn
- Qutb, Sayyid (2004/1425 AH) *Fi Zilal al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Shuruq
- Rad, Ali & Khatibi, Mohammad (2015/1394 SH) Literary Evidence for Extra-Contextual Meaning in the Qur'an. *Zihn (Mind)*, 62, pp. 31–52
- Rajabi, Mahmoud (2004/1383 SH) *Method of Qur'anic Interpretation*. Qom: Research Institute of Hawzah and University
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (2013/1392 SH) *Logic of Qur'anic Interpretation*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center
- Sadeqi Tehrani, Muhammad (1986/1406 AH) *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an bi al-Qur'an wa al-Sunnah*. Qom: Farhang Islami
- Sadr, Muhammad Baqir (1985/1405 AH) *Duroos fi 'Ilm al-Usul*. Beirut: Dar al-Muntazar
- Samarqandi, Nasr ibn Muhammad (1995/1416 AH) *Tafsir Samarqandi*. Beirut: Dar al-Fikr
- Sharifi Nasab, Hamed & Fegghi Zadeh, Abdolhadi (2021/1400 SH) A Critical Study of the Theory of Independent Semantic Units in the Qur'an. *Qur'an and Hadith Sciences*, 107, pp. 103–124
- Shaybani, Muhammad ibn Hasan (1992/1413 AH) *Nahj al-Bayan 'an Kashf Ma'ani al-Qur'an*. Qom: Al-Hadi Publications
- Tabataba'i, Muhammad Husayn (2011/1390 SH) *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at
- Zarqani, Muhammad Abdul Azim (n.d.) *Manahil al-'Irfan fi 'Ulum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi
- Zoghi, Amir (2013/1392 SH) A New Perspective on Textual Coherence in Qur'anic Surahs. *Qur'an and Hadith Studies Scientific Journal*, 2, pp. 151–175